

سناریوی ۲۰۰ دلاری جدی شد

# نفت از کنترل خارج شد

بازار جهانی نفت در سایه تشدید تنش میان ایالات متحده آمریکا و ایران وارد یکی از بی‌ثبات‌ترین دوره‌های خود شده و قیمت‌ها را به‌شدت نوسانی کرده است.در چنین شرایطی، نفت دیگر نه صرفاً یک کالای اقتصادی، بلکه بازاری کاملاً سیاسی است که مسیر آینده آن بیش از هر زمان به تحولات جنگی گره خورده است.

بازار جهانی نفت در هفته‌های اخیر وارد یکی از پرتنش‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین دوره‌های خود در سال‌های گذشته شده است؛ دوره‌ای که با شعله‌ور شدن درگیری مستقیم میان ایالات متحده آمریکا و ایران، عملاً قواعد سنتی قیمت‌گذاری در بازار انرژی را برهم زده و نفت را به داری‌یی‌ای تبدیل کرده که بیش از هر زمان دیگری به اخبار سیاسی و نظامی واکنش نشان می‌دهد.

شرح در صفحه ۱

# ایستگاه

شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۴  
۱۵ شوال ۱۴۴۶  
۴ آپریل ۲۰۲۶  
سال بیستم  
شماره ۶۱۴۵  
۴ صفحه  
۴۰۰۰ تومان

در فارین افرز منتشر شد

## طرح پیشنهادی ظریف به ایران و آمریکا برای پایان جنگ

همین صفحه



سرمقاله

محمدعلی وکیلی



### آمادگی برای پوشیدن یونیفرم دفاع از وطن!

این روزها حس وحال شخصی ام عینا حس وحال نوجوانی ام درسال شصت می‌باشد.

سال شصت درحالی که ۱۵سال بودم وقانونا مجاز به حضور درجنگ نبودم ولی با سماجت وترفندهای بسیار توانستم از سد مخالفت ها بگذرم وجواز حضور پیداکنم. چندروز پیش تصمیم گرفتم برخی از مناطق بمباران شده تهران را حضوری ببینم. وقتی حجم تخریب و ویرانی خانه های مسکونی مردم رامیدیدم تصویرخانه های خراب شده خرمشهر درآن سال‌های آتش ودود برابم تداعی می‌شد. غمی به بزرگی غربت ایران گلویم را میفشارد ورگ های گردنم فشرده میشد وبا خود میگفتم یکباردیگر درنقطه تاریخ ساز هستیم. نوهای دارم که هم باهوش است وهم ویژگی نسلZ را دارد .همچون بسیاری از جوانان ونوجوانان نسبت به راه طی شده در۴۷سال گذشته ذهن پرمسئله ای دارد. حوصله‌اش برای دفاع کلیشه‌ای کم است ولی بارها وبارها با اشتیاق وعطش خواهان شنیدن خاطرات حضورم درجنگ هشت ساله می‌باشد. هیچکدام از تاریخ زندگی ام برایش به اندازه آن خاطرات شغف انگیز وغرور آفرین نیست .میتوانم گفت این ویژگی تمام ایرانیان است. مادرجنگ هشت ساله تاریخ ساختیم وشجاعت و وطن پرستیمان برای نسل‌های بعدی غرورآفرین شد.

امروز که موجودیت ایران به شکل عریان توسط بزرگترین قدرتهای جهان مورد تهدید است وصراحت کلام رئیس جمهورآمریکا مبنی بر گرفتن نفت ایران ویغض نخست وزیر کودک کش اسرائیل نسبت به جغرافیای ایران وتخریب زیرساخت‌های کشور ،جای تردید نگذاشته است که عمل یکپاک ایرانیان را برای آیندگان درس آموز نموده است.

ادامه در صفحه ۲

در فارین افرز منتشر شد

## طرح پیشنهادی ظریف به ایران و آمریکا برای پایان جنگ

افزون بر این، تخریب زیرساخت‌های منطقه نیز زبان‌های ایران را برهان نخواهد کرد. ادامهٔ جنگ همچنین ممکن است به تهاجم زمینی ایالات متحده بینجامد که هرچند اقدامی از سر استیصال خواهد بود و واشنگتن را در باتلاقی عمیق‌تر فرو خواهد برد، اما دستاورد چندانی برای ایران به همراه نخواهد داشت.

در نهایت، حتی اگر ایالات متحده ناچار به جمع‌کردن بساط خود و خروج شود، ایران خواهد توانست دستاوردهای حاصل از مقاومت شجاعانهٔ خود در برابر تجاوز واشنگتن را به منافع ملموس تبدیل کند.

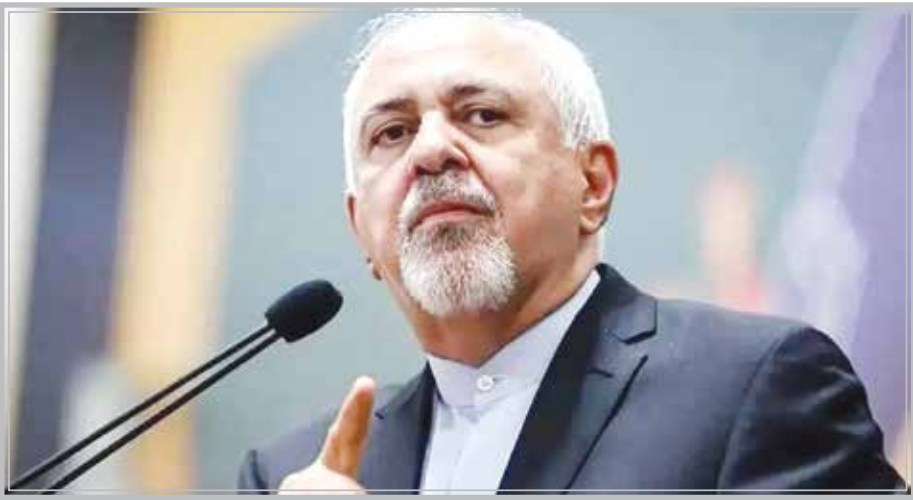
اگر دو طرف موفق شوند به سمت گفتگو حرکت کنند، می‌توانند یکی از دو نتیجه را دنبال کنند. نخستین نتیجه، یک توافق آتش‌بس رسمی یا غیررسمی است. در نگاه نخست، این گزینه ممکن است بهترین مسیر به نظر برسد. بدون تردید، این مسیر با کمترین مقاومت روبرو خواهد شد. برای دستیابی به آتش‌بس، تهران، واشنگتن و متحدانشان تنها کافی است سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند؛ بدون آنکه نیازی به حل تنش‌های ریشه‌ای باشد که دهه‌ها روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

اما هرگونه آتش‌بس ذاتاً شکننده خواهد بود. این دو کشور دقیقاً به این دلیل که اختلافات بنیادین خود را حل نخواهند کرد، همچنان عمیقاً نسبت به یکدیگر بدگمان و تردیدآمیز باقی خواهند ماند. بنابراین، برای ازرنگبری درگیری، چیز زیادی لازم نخواهد بود: یک اشتباه محاسباتی دیگر یا یک فرصت‌طلبی سیاسی ناچجا کافی خواهد بود تا درگیری‌ها از سر گرفته شوند. از این رو، مقامات باید به‌دنبال گزینهٔ دوم باشند: یک توافق جامع صلح. به بیان دیگر، آن‌ها باید از این فاجعه به‌عنوان فرصتی برای پایان دادن به ۴۷ سال خصومت استفاده کنند.

درگیری کنونی، هرچند بسیار هولناک است، اما می‌تواند دستیابی به چنین توافقی را آسان‌تر کند؛ چرا که برخی واقعیت‌ها دربارهٔ غرب آسیا را آشکار کرده که تهران و واشنگتن دیگری نتوانند نادیده‌بگیرند.

نخست آنکه، این درگیری نشان داده است که ایالات متحده —حتی در همکاری با اسرائیل و با حمایت مالی و لجستیکی شرکای خلیج فارس—قادر به نابودی برنامه‌های هسته‌ای یا موشکی ایران نیست. این برنامه‌ها آن‌چنان ریشه‌دار و پراکنده‌اند که با بمباران از میان نخواهند رفت. در واقع، در حوزهٔ هسته‌ای، حملات آمریکا و اسرائیل تنها بحث‌ها را دربارهٔ این موضوع داغ‌تر کرده‌اند که آیا ایران باید از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود و دکترین عدم اشتهاء خود را تغییر دهد.

این حملات همچنین به‌روشنی نشان داده‌اند که خبر فراهوشی («محور مقاومت»)—شبکهٔ شرکای منطقه‌ای ایران—به‌شدت افرایق‌آمیز بوده است. به واقع این تجاوز، مقاومت در برابر سیاست خارجی ایالات متحده را در سراسر جنوب جهانی، در بخش‌هایی از اروپا، و حتی در بخش‌هایی از ایالات متحده دوباره احیا کرده است، جایی که برخی از حامیان («ماگایی») ترامپ سیاست‌های («اسرائیل‌محور») وارد کرده‌اند. برای منطقه، این جنگ ثابت می‌کند که تلاش برای بررون‌سپاری یا خرید امنیت از ایالات متحده یک راهبرد بازنده است. برای سال‌ها، کشورهای عربی بر این باور بودند که می‌توانند با پرداخت پول به ایالات متحده برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاک خود، امنیتشان را تضمین کنند.



ایران به این توافق باعث نشد که آن دولت روابط اقتصادی جهانی ایران را—چنان‌که وعده داده بود—عادی‌سازی کند. این پایبندی همچنین مانع از آن نشد که ترامپ توافقی را پاره کند و سپس یک کارزار بی‌رحمانهٔ «فشار حداکثری») را دنبال طراحی شده بودند. این سیاست‌ها در دوران رئیس‌جمهور جو بایدن، با وجود وعدهٔ او برای احیای دیپلماسی نیز ادامه یافت. زمانی که ترامپ برای دورهٔ دوم به قدرت بازگشت، واشنگتن حتی گمراه‌کننده‌تر عمل کرد. کاخ سفید اعلام کرد که به دنبال دستیابی به یک توافق جدید است و ایران توانمندترین دیپلمات‌ها و کارشناسان خود را برای مذاکره اعزام کرد. اما ترامپ به‌سرعت نشان داد که جدی نیست. به‌جای به‌کارگیری فرستادگان ایرانی را آغاز کرد.

که در حوزهٔ توسعهٔ املاک فعال بودند—یعنی دامادان جرد کوشنر و دوست گلف‌بازش استیو ویتکاف، اعزام کرد؛ افرادی که کاملاً بی‌سواد در حوزهٔ ژئوپلیتیک و ظرفیات فنی هسته‌ای بودند.

هنگامی که آن‌ها—چنان‌که قابل پیش‌بینی بود—در درک پیشنهادهای سخاوتمندانهٔ ایران برای رسیدن به توافق ناگام ماندند، کاخ سفید حملهٔ گستردهٔ مسلحانهٔ خود علیه غیرنظامیان ایرانی را آغاز کرد. در نتیجه، بخش بزرگی از جمعیت ایران هرگونه سخن دربارهٔ توافق فکتنگو با مقامات آمریکایی که بارها به ایران خیانت کرده‌اند طرفدار چندانی ندارد. اما با وجود قابل درک بودن این دیدگاه، جمهوری اسلامی در نهایت اگر بتواند جنگ را زودتر به پایان برساند، وضعیت بهتری خواهد داشت.

تداوم خصومت‌ها تنها به از دست رفتن بیشتر جان‌های ارزشمند و منابع غیرقابل جایگزین منجر می‌شود، بدون آنکه بن‌بست موجود را تغییر دهد، به‌ویژه در حالی که ایالات متحده و اسرائیل همچنان زیرساخت‌های ایران را هدف قرار می‌دهند. اگرچه ایران قادر است در پاسخ زیرساخت‌های منطقه را به‌طور کامل نابود کند، اما این امر برای ایالات متحده اهمیت چندانی ندارد، چرا که این کشور همهٔ به‌اصطلاح متحدان عرب خود در منطقه را صرفاً به‌عنوان سیرهای می‌بیند که می‌تواند برای دفاع از اسرائیل از آن‌ها استفاده کند.

این درگیری را پایان دهد و هم از وقوع درگیری بعدی جلوگیری کند. ایران می‌تواند پیشنهاد دهد که در ازای پایان همهٔ تحریم‌ها، محدودیت‌هایی بر برنامهٔ هسته‌ای خود اعمال کند و تنگهٔ هرمز را بازگشایی نماید—توافقی که واشنگتن پیش‌تر نمی‌پذیرفت اما اکنون ممکن است آن را بپذیرد.

ایران همچنین باید آمادگی خود برای یک پیمان عدم تجاوز متقابل را اعلام کند که در آن هر دو کشور تعهد دهند در آینده به یکدیگر حمله نکنند. این کشور می‌تواند تعامل اقتصادی با ایالات متحده را پیشنهاد دهد که به نفع مردم هر دو کشور خواهد بود.

تمامی این نتایج به مقامات ایرانی این امکان را می‌دهد که کمتر بر حفاظت از کشور در برابر تهدیدات خارجی تمرکز کنند و بیشتر بر بهبود زندگی مردم خود در داخل کشور متمرکز شوند. به عبارت دیگر، تهران می‌تواند آینده‌ای نو و درخشان را که ایرانیان شایستهٔ آن هستند، تضمین کند.

رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، با وجود موقعیت تضعیف‌شده‌اش—یا شاید دقیقاً به همین دلیل—همچنان اظهاراتی متناقض و گیج‌کننده دربارهٔ مذاکرات مطرح می‌کند. روز چهارشنبه، ترامپ سخنرانی‌ای ایراد کرد که در آن هم‌زمان با توهمین به همهٔ ایرانیان با وعدهٔ بمباران ایران «به عصر حجر، جایی که به آن تعلق دارند»، بار دیگر—چنان‌که بارها انجام داده—ادعا کرد که کارزار نظامی واشنگتن تنها چند هفته تا تکمیل فاصله‌دارد.

اما کاخ سفید به‌وضوح نگران افزایش هزینه‌های انرژی است (هزینه‌هایی که خود بمباران آمریکا ایجاد کرده است)، و این طرح می‌تواند یک راه خروج به‌موقع برای ترامپ فراهم کند. در واقع، این طرح می‌تواند اشتباه محاسباتی عظیم او را به فرصتی برای ادعای یک پیروزی پایدار برای صلح تبدیل کند.

**پیروزی را بپذیرید**

ایرانیان به‌شدت از ایالات متحده خشمگین‌اند—و نه فقط به‌خاطر تجاوز کنونی آن. از آغاز هزاره، جمهوری اسلامی و مردم آن بارها توسط مقامات آمریکایی مورد خیانت قرار گرفته‌اند. آن‌ها پس از حملات تئوریستی ۱۱ سپتامبر در افغانستان علیه القاعده به ایالات متحده کمک کردند، اما رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش ایران را در «محور شرارت» قرار داد و آن را تهدید به حمله کرد.

دولت رئیس‌جمهور باراک اوباما توافق هسته‌ای ۱۳۹۴ را با رهبران ایران مذاکره و منعقد کرد، اما پایبندی دقیق و تأییدشدهٔ

ایران باید بتواند بدون مانع‌تراشی یا تبعیض، به‌طور فعال در زنجیره‌های تأمین جهانی مشارکت کند. مجلس شورای اسلامی ایران، به نوبهٔ خود، پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تصویب خواهد کرد و بدین ترتیب تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت دائمی بین‌المللی قرار خواهد داد. وزیر خارجه پیشین ایران اظهار کرد: تهران باید از برتری خود نه برای ادامهٔ جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که درگیری را پایان داده و از وقوع جنگ بعدی جلوگیری کند.

به گزارش ایسنا، متین کامل مقاله محمد جواد ظریف در مجله «فارین افرز» به شرح زیر است؛

«ایران آغازگر جنگ با اسرائیل و ایالات متحده نبود. اما اکنون، بیش از یک ماه از این درگیری گذشته و جمهوری اسلامی به‌وضوح در حال پیروزی است. نیروهای آمریکایی و اسرائیلی هفته‌هاست که بی‌وقفه خاک ایران را بمباران کرده‌اند، هزاران نفر را کشته و صدها ساختمان را تخریب کرده‌اند، همگی با این امید که حکومت کشور را سرنگون کنند. با این حال، ایران ایستادگی کرده و با موفقیت از منافع خود دفاع کرده است.

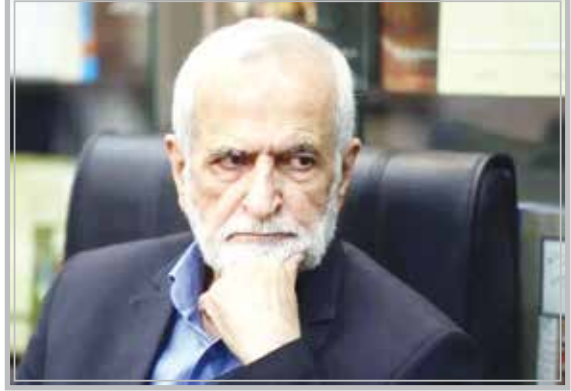
این کشور حتی در حالی که مقامات عالی‌رتبه‌اش ترور شده‌اند، تداوم رهبری را حفظ کرده و در حالی که تأسیسات نظامی، غیرنظامی و صنعتی آن هدف حمله قرار گرفته‌اند، بارها به متجاوزان پاسخ داده است. آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌هایی که این درگیری را با توهم وادار کردن ایران به تسلیم آغاز کردند، اکنون خود را در یک باتلاقی بدون راهبرد خروج می‌یابند. در مقابل، ایرانیان یک دستاورد تاریخی از مقاومت را رقم زده‌اند: قریب نود درصد از ایرانیان، این موفقیت دلیلی است برای ادامهٔ جنگ تا زمانی که متجاوزان به‌طور کامل مجازات شوند و نه توافق با یک پایان بر اساس مذاکره. از ۹ اسفند، هر شب جمعیت‌های بزرگی از ایرانیان پرافتخار در سراسر کشور گرد هم می‌آیند تا با فریاد «نه تسلیم، نه سازش، نبرد با آمریکا» پایمردی خود در مقابله با متجاوزین را به نمایش بگذارند.

به هر حال، ایالات متحده نشان داده که در مذاکرات قابل اعتماد نیست و به حاکمیت ایران احترام نمی‌گذارد. بر اساس این منطق، هیچ دلیلی برای تعامل با این کشور در حال حاضر و ارائهٔ یک «راه خروج» به آن وجود ندارد. در عوض، تهران باید برتری خود را تثبیت کند، به حمله به پایگاه‌های آمریکا ادامه دهد و جریان تجارت در تنگهٔ هرمز را مسدود کند تا واشنگتن حضور و رویکرد منطقه‌ای خود را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

با این حال، هرچند ادامهٔ جنگ با ایالات متحده و اسرائیل ممکن است از نظر روانی رضایت‌بخش باشد، اما تنها به برای افزایش می‌دهد. و متأسفانه، سازمان‌های بین‌المللی تحت فشار قدرتمانهٔ ایالات متحده در برابر جنایات متعدد واشنگتن، از جمله قتل‌عام نزدیک به ۱۷۰ کودک مدرسه‌ای در نخستین روز جنگ، سکوت اختیار کرده‌اند.

بنابراین، تهران باید از برتری خود نه برای ادامهٔ جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که هم

### اخبار یوسف پزشکیان: چرا دکتر خرازی؟



حمله به دکتر خرازی بعد از بعد از ترور دکتر لاریجانی آیا معنای مشخصی دارد؟ یعنی می‌خواهند به ما پیغام بدهند که این‌بار مذاکره‌کننده‌ها را ترور خواهیم کرد؟» فرزند و مشاور رئیس‌جمهوری با اشاره به بمباران منزل رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران، تحلیلی از علت این حمله ارائه کرد.

یوسف پزشکیان در کاتال شخصی تلگرامی خود درباره روزهای سی‌ودو سی‌وسوم جنگ، نوشت: «انگار همه داروهای آنفولانزا خواب‌آورند. دوازده از خانه بیرون نرفتم. چند تا فیلم در شبکه نمایش نگاه کردم. به نظرم می‌آمد که فیلم‌ها را کامل نشون نمی‌دن. انگار هنوز فیلم تمام نشده، فیلم بعدی را شروع می‌کنند…»

بالی ۱۶ میلیون بازدید داشته. از همه کسانی که برای آماده‌شدن این نامه زحمت کشیدن باید تشکر کرد.

ساعتی بعد از انتشار نامه ترامپ یک سخنرانی داشت. مثل همیشه حرف‌های پراکنده تهدید و توهمین و… ترامپ یک دیکتاتور واقعی است. پیتر هگست وزیر جنگ ترامپ این جمله ترامپ را از سخنرانی‌اش انتخاب کرده و توییت کرد:»

Back to the Stone Age.

یعنی می‌خواهند ما را به عصر حجر برگردانند. فکر کردم که عصر حجر واقعی در ذهن آدم‌هاست نه در سنگ‌ها و ساختمان‌ها. احتمالاً ذهن ترامپ و هگست در عصر حجر زردانی شده است. چه زجری می‌کشند…»

واکنش‌ها به نامه رئیس‌جمهور را نگاه می‌کنم. متفاوت و در عین حال خیلی مثبت است. خیلی‌ها آن‌را با صحبت‌های پر از نفرت و تهدید ترامپ مقایسه کرده بودند. عده‌ای هم به تعداد صفحات نامه نقد کرده بودند که شما آمریکایی‌ها را خیلی دست بالا گرفته‌اید که فکر کرده‌اید آمریکایی‌ها آنقدر فریخته هستند که این‌ها را بخوانند! بعضی به طنز گفته بودند باید نسخه لگوییی از نامه درست می‌کردید.

دیروز در یکی از گروه‌های مجازی ارائه دکتر یاسر میردامادی با عنوان «سایه آرمادگون» و زیرعنوان «الهیات آخر الزمانی در سیاست خارجی دولت

دوم ترامپ» را گوش دادم. جنگ یک تصویر واقعی دارد و تعدادی نقاب. برای تشخیص تصویر واقعی از تصاویر قلابی باید قطعات پازل را درست کنار هم بگذاریم تا تصویر ساخته شود. ارائه دکتر میردامادی قطعات دیگری از پازل را در اختیارم گذاشت.

کاینه و تیم یهودی ترامپ، لیندزی گراهام، استیو بنن، توییت‌های وزیر جنگ ترامپ، حتی موضع‌گیری پاپ لئون در محکوم کردن جنگ و این جمله مهم او که «خدا دعای کسانی را که جنگ را شروع می‌کنند قبول نمی‌کند…» و قریانی کردن بچه‌ها در جزیره ایستین، و کل ماجرای قضیه ایستین، و حمله به مدرسه میناب و باورهای شیطانی حاکمان قدرتمندترین کشور جهان؛ وحشتناک است. باید سر فرصت همه را بنویسم. سر فرصت…»

خبر بمباران منزل دکتر خرازی و شهادت همسر گرمی‌شان واقعا باورنکردنی بود. چرا دکتر خرازی؟ حمله به دکتر خرازی بعد از بعد از ترور دکتر لاریجانی آیا معنای مشخصی دارد؟ یعنی می‌خواهند به ما پیغام بدهند که این‌بار مذاکره‌کننده‌ها را ترور خواهیم کرد؟